

A Hadith-Theological Approach to the Co-Positioning of Hazrat Khadijah (PBUH) and Asiyah (In the Mentions Found in Surahs Al-Qasas and Al-Tahrim)

Sayyed Mahmood Tayyeb Hoseini^{a*}, Mohammad Mahdi Firoozmehr^b, Maryam Motalebi^c

^a Professor, Quranic Studies Department, Islamic Sciences Research Center, Hawza and University Research Institute, Qom, Iran

^b Assistant Professor, Interpretation Department, Research Institute for Culture and Education of the Holy Quran, Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran

^c Level Four Seminary Student in Comparative Tafsir, Ma'sūmiyyah Seminary Institute of Higher Islamic Education, Qom, Iran

KEYWORDS

Story of Moses, Asiyah in the Quran, Surah Al-Tahrim, Surah Al-Qasas, Khadijah al-Kubra

Received: 12 February 2025;

Accepted: 07 June 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2053320.1083

ABSTRACT

God revealed each part of the Qur'anic narratives in accordance with the circumstances of the Prophet's (PBUH) mission, and the context of revelation and historical conditions directly influence the verses of each Surah. The story of Moses (PBUH) and its elements are no exception. One key figure in this narrative is Asiyah, the wife of Pharaoh, whose role in saving Moses, raising him, believing in his message, and ultimately attaining martyrdom is highlighted—presenting her as a model for all believers. This article, using a descriptive-analytical method, examines the reasons for Asiyah's mention in the Qur'an at two distinct points: once in Surah *Al-Qasas* during the late Meccan period, and again in the Medinan Surah *Al-Tahrim*. The findings suggest that, considering the context of revelation for both Surahs and the narrations reported by both Shi'a and Sunni traditions—including those in which the Prophet (PBUH), at the time of Hazrat Khadijah's passing, referred to Asiyah as her heavenly companion—there exists a meaningful connection between Asiyah's mention in the Qur'an and Khadijah's role as the Prophet's greatest supporter during the early years of his mission. Accordingly, one of the reasons for Asiyah's mention in the Qur'an may be understood as a form of honoring Khadijah's (PBUH) unwavering support, her contribution to the spread of the Prophet's message, and her deep faith in him.

* Corresponding author.

E-mail address: tayebh@rihu.ac.ir

©Author





رهیافتی حدیثی-کلامی بر هم‌جایگاهی حضرت خدیجه (س) با آسیه (در یادکردهای دو سوره قصص و تحریم)

سید محمود طیب حسینی^{الف}، محمدمهدی فیروزمهر^ب، مریم مطلبی^ج

^{الف} استاد گروه قرآن پژوهی، پژوهشکده علوم اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، tayebh@rihu.ac.ir
^ب استادیار، گروه تفسیر، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران،
m.firoozmehr@gmail.com
^ج طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران، rima9099@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>خداوند هر بخش از قصه‌های قرآن را به‌تناسب شرایط رسالت پیامبر (ص) نازل کرده و فضای نزول و مناسبت‌های تاریخی نیز بر آیات هر سوره اثر مستقیم دارد. قصه موسی (ع) و عناصر آن نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از عناصر قصه موسی (ع) در قرآن یادکرد از حضرت آسیه، زن فرعون و نقش او در نجات جان موسی (ع)، پرورش موسی، ایمان به وی، شهادت در این راه و معرفی او به‌عنوان الگوی همه مؤمنان است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی علل یادکرد آسیه در قرآن کریم، در دو مقطع زمانی مختلف، یکی در سوره «قصص» در اواخر دوران مکه و دیگری در سوره مدنی «تحریم»، پرداخته است. نتیجه پژوهش آن است که با توجه به فضای نزول دو سوره قصص و تحریم و روایاتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند؛ از جمله روایاتی که پیامبر هنگام وفات حضرت خدیجه از آسیه به‌عنوان هووی ایشان یاد کرده و از هم‌نشینی آن دو در بهشت خبر می‌دهد، میان یادکرد آسیه در قرآن با حضرت خدیجه به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی پیامبر در سال‌های نخستین بعثت ارتباط وجود دارد و براین اساس می‌توان یکی از علل یادکرد آسیه در قرآن کریم را تجلیل از حمایت حضرت خدیجه (س) در یاری پیامبر و گسترش رسالت آن حضرت و ایمان به وی شمرد.</p>	<p>قصه موسی، آسیه در قرآن، سوره تحریم، سوره قصص، خدیجه کبری</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

پربسامدترین قصه قرآن کریم از نظر حجم و تعداد آیات و سوره‌ها، قصه موسی (ع) است. رویکرد صحیح در بررسی قصه‌های قرآنی، بررسی هر داستان با در نظر گرفتن شرایط زمانی نزول و در خلال سوره‌ای است که این قصه در آن جای گرفته است. بدین‌صورت موضوع، کارکرد و هدف قصه، معین و مشخص می‌شود. قصه موسی (ع) بدون مناسبت تاریخی نازل نشده، بلکه خداوند هر بخش از آن را به‌تناسب شرایط رسالت پیامبر (ص) نازل کرده و بر حوادث مشابه قابل تطبیق است. این بررسی روش‌شناسانه حکمت تکرار یک قصه را در چندین سوره مشخص می‌کند. (شدید، ۱۳۹۳، ۱۰۲) این مضمون در روایات هم مورد تأکید قرار گرفته است. از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: شما دقیقاً سنت و روش کسانی را که قبل از شما بودند دنبال می‌کنید، کاملاً پای آنها می‌گذارید و

و جب به وجب، ذراع به ذراع، تیر به تیر و به اندازه پهنای دو دست از راه و روش آنها تبعیت می‌کنید و از آن تخلف نخواهید کرد، حتی اگر امت‌های پیش از شما به سوراخ سوسماری داخل شده باشند، شما نیز به آن وارد می‌شوید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵/۷۵)

قصه موسی در ۳۲ سوره مکی و ۴ سوره مدنی آمده است. یکی از سوره‌هایی که به تفصیل قصه موسی (ع) را گزارش کرده، سوره «قصص» است که در مکه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۵/۱۱۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۴/۲۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵/۱۶)، زمانی که مسلمانان آخرین سال‌های مقاومت خود را در این شهر سپری می‌کردند و کفار قریش، سخت‌ترین شکنجه‌ها را بر آنان روا می‌داشتند. در همین سال بود که پیامبر بزرگ‌ترین حامیان خود، حضرت خدیجه (س) و ابوطالب (س) را از دست داد. در زمان نزول این سوره، مکه دارای فضایی پر از خفقان بود و مسلمانان از نظر اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی در ضعف و تنگنا قرار داشتند. در چنین فضایی سوره «قصص» نازل شد و خداوند در این سوره با بیان قصه زندگی پرفرازونشیب موسی (ع) و مبارزات او با فرعون، به مسلمانان امید و دلگرمی داد و آنان را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار کرد.

در آیات قرآنی مرتبط با قصه موسی (ع)، خداوند از چند زن، چون مادر و خواهر موسی، دختران شعیب و... یاد کرده است. یکی از این زنان، آسیه زن فرعون است که در نجات موسای نوزاد (ع) نقش مؤثری داشت و سپس از همه امتیازاتی و جایگاهی که از آن برخوردار بود دست کشید و به موسی ایمان آورد و سرانجام یکی از چهار زن برتر جهان شد و خداوند وی را در قرآن به‌عنوان الگوی همه مردان و زنان مؤمن معرفی کرد. پژوهش حاضر با روش توصیف و تحلیل درصد پاسخ به این سؤال است که چه عللی موجب شده که خداوند در دو برهه زمانی مختلف، یکی حدود سال دهم بعثت و بعد از محاصره پیامبر و مسلمانان در شعب ابی طالب (سوره قصص) و دگر بار در مدینه (سوره تحریم) از زن فرعون و نقش او در نجات موسی (ع)، سپس ایمان به وی و نقش الگویی او یاد می‌کند؟

۲. پیشینه

به جز کتب تفسیری که ضمن تفسیر آیه نه سوره «قصص» و آیه یازده سوره «تحریم»، درباره آسیه سخن گفته‌اند؛ دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی، با عنوان «بررسی شخصیت آسیه در آیات و حدیث» و کارشناسی ارشد، با عنوان «بررسی و تحلیل شخصیت آسیه در آیات و روایات»، به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی آسیه و نقش او در دفاع از موسی (ع) پرداخته‌اند، اما در هیچ‌یک به بررسی و تحلیل علت یادکرد آسیه در قرآن کریم و ارتباط وی با حضرت خدیجه، پرداخته‌اند.

۳. مفاهیم

أ. سوره قصص؛ سوره «قصص» بیست‌وهشتمین سوره در ترتیب مصحف و چهل‌ونهمین سوره (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱/۱۳۵)، پس از سوره «نمل» و پیش از سوره «اسراء» در ترتیب نزول و پانزدهمین سوره در سیر نزول است که قصه موسی در آن آمده است. نام‌گذاری سوره به «قصص» به سبب پیگیری بخش‌های مختلف قصه زندگی حضرت موسی (ع) و به کار رفتن کلمه «قصص» در آیه بیست‌وپنجم آن است. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۵/۱۱۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۴/۲۴۷)

۲۴۷؛ حقی بروسوی، بی تا، ۶ / ۳۸۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۳ / ۳۹۱) مکه در زمان نزول این سوره فضایی پر خفقان داشت و مسلمان تنها تعداد اندکی بودند که به شدت زیر فشار اعتقادی، سیاسی و اقتصادی مشرکان مکه قرار داشتند. در چنین فضایی که بسیار به وضع دشوار بنی اسرائیل در جنگال فرعونیان شباهت داشت، خداوند با نزول این سوره و شرح قصه موسی و فرعون و نجات بنی اسرائیل از ستم آل فرعون، به سنت الهی پیروزی حق بر باطل اشاره کرد و برای مسلمانانی که از ستم مشرکان مکی به ستوه آمده بودند، سبب امید و دلداری شد. (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ۶۲ / ۶۱۴). این سوره با ماجرای قصه حضرت موسی (ع) و فرعون آغاز شده و به برخی از ویژگی‌های فرعون از جمله استکبار، برتری جویی در زمین، تفرقه افکنی، استضعاف و کشتن بنی اسرائیل اشاره کرده است و بلافاصله از اراده الهی در رهایی مستضعفان و نجات و وراثت آنان بر زمین سخن می‌گوید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶ / ۵)؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۳ / ۸؛ بهجت پور، ۱۳۹۰، ۴ / ۲۶۸).

ب. سوره تحریم؛ سوره تحریم به نظر تمام مفسران مدنی است. (طبری، ۱۴۱۲، ۲۸ / ۱۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰ / ۴۶۸؛ ابن عاشور، بی تا، ۲۸ / ۳۰۸) این سوره در ترتیب نزول، صدو هشتمین سوره‌ای است که پس از سوره «حجرات» و پیش از سوره «جمعه» بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. (معرفت، ۱۴۱۵، ۱ / ۱۳۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ۱ / ۲۸۱). با توجه به غرض سوره «تحریم»، ایمان، کفر و ولایت، امری فردی و برگرفته از خواست و اراده مستقیم خود افراد است و روابط طبیعی آنان با پیامبر، مانند رابطه همسری، تأثیری در اثبات یا نفی ولایت ندارد؛ بنابراین حتی با وجود پیوندهای سببی، احتمال قطع پیوند ولایت و ایمان و یا بالعکس، امکان داشتن ولایت و ایمان واقعی به خدا و رسول وجود دارد. (بهجت پور، ۱۳۹۴، ۴۷۲)

در مورد سبب نزول سوره گفته‌اند که پیامبر (ص) عادت داشت هر بامداد پس از نماز صبح به حجره همسرانشان سر می‌زدند. در این بین چون پیامبر (ص) نزد زینب بنت جحش می‌رفتند، زینب شربتی از عسل به پیامبر می‌نوشتند. این امر بر عایشه و حفصه گران آمد. از این رو برای بازداشتن پیامبر از رفت و آمد به خانه زینب و نوشیدن شربت در آنجا، قرار گذاشتند هر وقت پیامبر بر آنان وارد می‌شود به او بگویند از وی بوی مغفیر (درختی بدبو) به مشام می‌رسد. پیامبر در پاسخ آنها ضمن انکار خوردن مغفیر، فرمودند: عسلی را که نزد زینب بود و احتمالاً زنبور از گیاه عرفط تغذیه کرده باشد، نوشیده‌ام و از اینجا با سوگند آن عسل را بر خود حرام کرده از آن دو خواستند تا موضوع تحریم عسل را برای دیگران افشا نکنند. (سیوطی، ۱۴۲۱، ۶ / ۲۳۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۴ / ۵۶۳) اما با خیانت آن دو زن و افشای راز پیامبر، سوره تحریم نازل شد و آن دو زن را سرزنش و از زن نوح و لوط به عنوان دو عبرت و آسیه و مریم، به عنوان دو الگو یاد کرد. (تک: واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ۳۷۳ و ۳۷۴؛ سیوطی، بی تا، ۳۰۹؛ رازی، ۱۴۰۸، ۱۹ / ۲۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۴۶۰؛ برای سبب نزول مشابه دیگر تک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۱۹ / ۲۸۹ و ۲۹۰، واحدی، ۱۴۱۱، ۲۹۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۴ / ۵۶۳).

۴. یادکرد آسیه در قرآن

در قرآن از آسیه، با نام یاد نشده، اما مفسران منظور از «امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ» در سوره‌های «قصص» و «تحریم» را آسیه دختر مزاحم بن عبید و زن فرعون می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰ / ۴۷۹؛ طوسی، بی تا، ۱۰ / ۵۴) با بررسی آیات قرآنی، مشاهده می‌شود، خداوند در دو جا از آسیه یاد کرده است. یکبار در سوره «قصص»، در ضمن بیان ماجرای

نجات موسی (ع) و تقاضای شجاعانه او برای نجات نوزاد برگرفته از آب و برای بار دوم، به فاصله بسیار زیادی از سوره قصص و هنگامی که مسلمانان در اوج اقتدار و شکوفایی بسر می‌بردند؛ در سوره مدنی «تحریم»، با نقل دعایی از زبان وی، او را برای برخی از همسران پیامبر (ص) و بالاتر، برای همه مؤمنان، اعم از زن و مرد، الگویی نمونه معرفی می‌نماید.

نکته جالب توجه این است که، خداوند در هنگام یاد نمودن از آسیه به دو گونه متفاوت از یکدیگر، سخن می‌گوید؛ یک- بار از فداکاری‌ها و حمایت‌هایش از موسی (ع) و دگر بار به نقش الگویی او برای همه مؤمنان اشاره می‌کند؛ و این مطلبی درخور توجه است؛ که برای فهم آن، نیازمند بررسی این دو آیه از جهت اسباب نزول و شرایط و فضای نزول آن و علل یاد آسیه، در این دو مقطع زمانی هستیم. از آنجا که سوره «قصص» برای نخستین بار از آسیه یاد کرده، ابتدا یادکرد آسیه در این سوره را بررسی می‌کنیم:

۵. آسیه در سوره قصص و نقش وی در نجات موسی (ع)

در سوره «قصص» با عبارت (امْرَأْتُ فِرْعَوْنَ)، به گونه‌ای شایسته به ارتباط سببی آسیه با فرعون زمان موسی (علیه‌السلام) اشاره کرده می‌فرماید: «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ و زن فرعون گفت: (این کودک) خنکای چشم من و توست، او را نکشید، شاید (در آینده) ما را سودی بخشد یا او را به فرزندی گیریم؛ و آنها (از عاقبت کار) آگاه نبودند.» (قصص: ۹)

مطابق آیه آسیه در نجات و پرورش موسی (ع) نقش مهمی ایفا می‌کند، در زمانی که مأموران فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را به قتل می‌رساندند، وی از موسی حمایت کرد. بررسی تعبیر بکار رفته در آیه نهم سوره «قصص» توسط آسیه، بیانگر کاردانی، زیرکی، موقعیت‌شناسی و نفوذ وی در دربار فرعون است که دستور کشتن فرزندان پسر بنی اسرائیل با وساطت وی لغو می‌شود. آسیه با پیشنهاد صحیح و به موقع خود و با بهره‌گیری از کلمات عاطفی و احساسی، از کشته شدن موسی جلوگیری می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲۲/۷) او ابتدا واژه‌هایی بکار می‌برد که دارای بار عاطفی مثبت هستند و به همین دلیل از تعبیر «قُرْتُ عَيْنٍ» که کنایه از سرور و شادمانی است، استفاده می‌کند. این عبارت از زبان زن فرعون، بر مسرت‌بخشی چشمان آنها از رؤیت جمال موسی (ع) حکایت دارد و این همان القاء محبت الهی بود که خداوند در سوره «طه» (طه: ۳۹) بشارت آن را داده بود. (ابن عاشور، بی تا، ۲۰/۲۰-۲۱) بعد بلافاصله می‌گوید: (لِي وَ لَكَ) و خود را در کنار فرعون قرار می‌دهد. از تقدیم «لی» استفاده می‌شود که فرعون علاقه زیادی به آسیه داشت و آسیه از این محبت باخبر بود، به همین دلیل از او خواست که برای شادمانی وی آن نوزاد را نکشد. (سیدقطب، ۱۴۱۲، ۵ / ۲۶۷۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۱۷ / ۲۶۹) با جمله (عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا) به منفعت احتمالی این کودک در آینده (زحیلی، ۱۴۱۸، ۲۰ / ۶۵) و فرزندخواندگی وی اشاره می‌کند.

در حقیقت آسیه کلام خود را به منفعت‌بخشی موسی در کاخ و حکومت فرعون و فرزندخواندگی این نوزاد مقید نمود، چون فرعون و همسرش پسری نداشتند، در نتیجه دل فرعون را نرم کرد و مانع کشتن این نوزاد شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶ / ۱۰-۱۲؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ۲۲ / ۳۰۱) نقش آسیه در دفاع از موسی (ع) به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه بارها موسی (ع) با رفتارهای کودکانه خود خشم فرعون را برانگیخته و زمینه کشته شدن خود را

فراهم کرده، اما هر بار آسیه با لطایفی فرعون را از تصمیمش بازداشته است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳/۲۷) همچنین آسیه در پذیرش مادر موسی به عنوان دایه برای او نقش داشت. (حسینی، ۱۳۹۲، ۱۰۴).

۶. هم‌زمانی نزول سوره قصص با وفات حضرت خدیجه (س)

نقش آسیه در حفظ موسی زمانی به خوبی نشان داده می‌شود که درکی کامل از فضای نزول سوره قصص و اوضاع و احوالی که مسلمانان در آن به سر می‌بردند، حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۱/۲۳۵) همان‌گونه که ارتباط سوره قصص و نقش آسیه با حضرت خدیجه و هم‌جایگاهی وی با حضرت خدیجه به شناخت زمان دقیق سوره قصص وابسته است. پیش‌تر اشاره شد که سوره «قصص»، چهل‌وهشتمین سوره قرآن و قبل از سوره اسراء که به معراج پیامبر اشاره دارد، نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱/۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۶/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱/۱۳؛ دروزه، ۱۳۸۳، ۳/۳۴۸) مطابق نظر مشهور مورخان و مفسران، زمان معراج رسول خدا (ص) ۲۷ رجب سال دهم هجری بوده است؛ رحلت و وفات حضرت خدیجه کبری (س) نیز مطابق دیدگاه مشهور، همان سال، یعنی دهم ماه رمضان سال دهم بعثت رخ داده است. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۸/۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۱۹) بنابراین سوره «قصص» باید سوره قصص به فاصله اندکی قبل از سوره «اسراء» نازل شده باشد. اگر فرض بگیریم، سوره قصص حدود شش ماه پیش از سوره اسراء نازل شده است، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد زمان نزول سوره «قصص»، در آستانه وفات حضرت خدیجه (س) بر پیامبر نازل شده است. بنابراین تقارن نزول سوره قصص و یادکرد از آسیه و نقش وی در حمایت از موسی (ع) با وفات حضرت خدیجه، بعد از حمایت‌های مالی، غیرمالی کامل از پیامبر، به‌ویژه ایستادن در کنار پیامبر و تحمل سختی‌های فراوان برای حمایت از پیامبر و نومسلمانان، در دوران سه‌ساله محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب که در سال دهم بعثت پایان یافته است، آشکارا از وجود رابطه میان این دو بانوی بزرگ و هم‌نقشی‌شان در حمایت از پیامبران الهی خبر می‌دهد. شاهد این پیوند و هم‌جایگاهی این دو بانوی بزرگ، روایات فراوانی است که از هم‌نشینی این دو بانوی برگزیده در بهشت و برتری و فضیلت آنها سخن می‌گوید. (برای آگاهی از تقارن زمان این دو حادثه نک: سیوطی، ۱۴۲۱، ۵/۱۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰/۱۹ و ۱۸/۱۶، یعقوبی، ۱۳۸۹، ۱/۳۹۳)

۷. علل یادکرد از آسیه در سوره «تحریم»

دومین سوره‌ای که در آن از آسیه یادشده، سوره تحریم است. در آیات ابتدایی سوره «تحریم» از توطئه و همدستی دو تن از زنان پیامبر (ص) علیه آن حضرت و افشای راز توسط آنها و ضرورت توبه‌شان سخن گفته است. آیات بعدی سوره، آن دو زن را مورد سرزنش می‌دهد به اینکه اگر از رفتار ناصواب و همدستی خویش علیه پیامبر (ص) دست نکشند، خدا و مؤمنان شایسته و فرشتگان یاور و پشتیبان او هستند. (تحریم: ۴) در آیه ده سوره، خداوند از زنان لوط و نوح یاد کرده و خاطر نشان می‌سازد که با وجود اینکه در کنار این بندگان ارجمند خدا بودند، ولی به دلیل خیانتشان نسبت به آنان، بعد از مرگ وارد آتش دوزخ شدند. یادکرد از این دو زن پیامبران الهی، تعریض آشکاری به آن دو زن پیامبر (ص) است که رابطه سببی و همسری آنان با پیامبر (ص) نقشی در رستگاری و سعادت‌مندی در آخرت ایفا نخواهد کرد، اگر از راهی که در خیانت و آزار به پیامبر در پیش گرفته‌اند، برنگردند و توبه نکنند و همچون زنان نوح و لوط

مستحق عذاب الهی خواهند کشت: خداوند برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زد که در نکاح دو بنده شایسته از بندگان ما بودند و به آن دو، خیانت ورزیدند اما آن دو (پیامبر) در برابر (عذاب) خداوند برای آنان سودی نداشتند و (به آنان) گفته شد که با (دیگر) واردشوندگان به آتش (دوزخ) درآید (تحریم: ۱۰)؛ سپس در دو آیه پایانی سوره تحریم، از آسیه زن فرعون و از مریم، این بانوی پاک‌دامن یاد می‌کند و آنان را برای همه انسان‌ها به‌عنوان الگوهای نیکو معرفی می‌نماید؛ بنابراین بیشتر آیات این سوره آشکارا در ارتباط با دو زن از زنان پیامبر (ص) است که علیه آن حضرت هم‌داستان شده بوده‌اند. حال یادکرد از آسیه، زن فرعون که او را به‌عنوان الگویی برای مؤمنان معرفی می‌کند و از ایمان و استقامت و پایداری وی در برابر شکنجه‌های فرعون تمجید می‌کند، تداعی‌کننده حضرت خدیجه، یگانه همسر وفادار و پشتیبان پیامبر در روزگار دشوار دعوت و تبلیغ رسالت در دوران مکه است: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و خداوند برای مؤمنان، زن فرعون را مثل زد هنگامی که گفت: پروردگارا! نزد خود در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از این قوم ستمگر آسوده گردان.» (تحریم ۱۰-۱۱)

این آیات در وهله نخست هشدار به زنان پیامبر (ص) است که مبادا به عاقبتی چون عاقبت زنان لوط و نوح گرفتار آیند، سپس ترغیبی است به اینکه بسان آسیه، زن فرعون باشند و او را الگوی زندگی خویش قرار دهند و بدانند آنچه مایه سعادت و یا شقاوت انسان است، ایمان و عمل اوست، نه سبب و نسب؛ همچنان که آسیه نیز، باوجود اینکه شوهرش طاغی‌ترین فرد روزگار بود تا آنجایی که ادعای خدایی نیز داشت، توانست به کمال نهایی خود نائل آید و جزء بهترین زنان عالم گردد و کفر و طغیان فرعون و نسبتش با او هیچ ضرری به ایشان نرساند. همچنین آیه یادشده به آن دو زن پیامبر و همه زنان و مردان باایمان اعلام می‌کند که آسیه را به‌عنوان الگوی زندگی خویش قرار دهید و همچون او بر موانع و مشکلات زندگی فائق آید؛ زیرا او بااینکه شوهری چون فرعون داشت و همه امکانات مادی و انواع زر و زیور دنیوی زیر قدم‌هایش و غرق در تجملات زندگی بود، اما به‌تنهایی از آن همه برخوردار می‌شد و گذشت و ایمان به خدا را بر آنها ترجیح داد و این چنین شایستگی پیدا کرد که الگوی همگان گردد.

۸. علل الگو شدن آسیه در قرآن

در اینجا علل الگو شدن آسیه برای همه مؤمنان شایسته درنگ است. برخی از مهم‌ترین علل الگو شدن آسیه را در موارد ذیل می‌توان سراغ گرفت:

۱. حفظ ایمان در محیط شرک‌آمیز؛ از ویژگی‌های آسیه حالت معنوی و ایمان اوست. او با دیدن معجزات حضرت موسی (ع) به او ایمان آورد اما مدتی ایمان خود را مخفی نگاه داشت. هنگامی که فرعون از ایمان او باخبر شد او را تحت شکنجه قرارداد. باور عمیق به پروردگار موجب مقاومت او در برابر شکنجه‌های فرعون گردید، بنابراین گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (تحریم: ۱۱)، این جمله نشان می‌دهد که آسیه برای نجات از ظلم و ستم فرعون تنها تکیه‌گاهش خداوند است و فقط بر او توکل کرد و از او استمداد گرفت (فضل‌الله، ۱۴۱۹، 22 / 330-331)

۲. باور عمیق به معاد؛ از ویژگی‌های دیگر آسیه این است که باوجود امکانات و نعمت‌های مادی فراوان و وسایل عیش و نوش، از خداوند درخواست خانه‌ای در بهشت، آن‌هم در جوار پروردگارش، طلب می‌کند. این نشان می‌دهد که

حضور در نزد خداوند کرامتی است معنوی و استقرار در بهشت کرامتی صوری است که آسیه هر دو را از خداوند طلب کرد و شایسته است هر بنده مؤمنی آن دو را از خداوند درخواست کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴۵/۱۹)

۳. تبری از ظلم و محیط شرک‌آلود؛ یکی از دعا‌های آسیه در درگاه خداوند، تبری و بیزاری از شرک و محیط شرک‌آلود بود. آسیه در دعای خود چهار درخواست کرد: اول، نجات از دست فرعون (مِنْ فِرْعَوْنَ)؛ دوم، نجات از عمل او که همان شرک بود (عَمَلِهِ)؛ سوم، نجات از آل فرعون (نَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)؛ چهارم، از اعمال قوم ظالم (اعمالهم) که به قرینه (مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ) حذف شده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۱۵۷)

۴. حمایت از رهبر معصوم زمان خود؛ در سوره «قصص» گذشت، هنگامی که موسی را از آب گرفتند، گروهی از حامیان فرعون که در کاخ او حاضر بودند، او را به کشتن موسی ترغیب کردند، اما آسیه با درایت و کاردانی خود مانع این عمل شد و گفت: «لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَنْجُوهُ وَآلِدًا» (قصص: ۹)، آسیه با عبارتی لطیف و عاطفی به منفعت‌بخشی و فرزندخواندگی موسی اشاره کرد و چون فرعون فرزند پسر نداشت موسی را به فرزندگی گرفت و این گونه آسیه خطر قتل را از موسی (ع) برگردانید و از رهبر آینده بنی اسرائیل محافظت کرد.

از دیگر موارد الگو بودن آسیه این بود که با منطق در برابر رژیم فاسد ایستاد، صبور بود و زیر شکنجه سخت فرعون به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست برنداشت. زنی بلندهمت بود و به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت. منطق و عقل و وحی را بر مسائل خانوادگی ترجیح می‌داد و ظلم و ستم فرعون نتوانست او را از باورهای عمیقش به توحید بازدارد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰/۱۳۸-۱۳۹).

۹. تطبیق نقش الگویی آسیه بر حضرت خدیجه (س) بر اساس روایات

در برخی روایات آمده که رسول خدا (ص) هنگام وفات حضرت خدیجه (س) بر بالین وی حاضر بوده و از آسیه به‌عنوان هووی حضرت خدیجه و همسر خود در بهشت یاد کرده است و از ایشان می‌خواهد که سلامش را به آسیه برساند:

۱. صدوق نقل کرده است که رسول خدا (ص) هنگام وفات حضرت خدیجه بر وی وارد شد در حالی که آن حضرت در حال احتضار بود، پس پیامبر (ص) به ایشان فرمود: فقدان تو بر ما سخت و ناگوار است، اما کاری از دست ما بر نمی‌آید، حال هنگامی که بر هووهایت وارد شدی سلام مرا به آنها برسان. خدیجه گفت: آنها کیانند؟ پیامبر (ص) پاسخ داد: مریم دختر عمران، کلثوم خواهر موسی و آسیه زن فرعون... (صدوق، ۱۴۱۳، ۱/۱۳۹، ح ۳۸۳، حویزی، ۱۴۱۶، ۵/۳۷۶)

۲. طبرسی از معاذبن جبل نقل کرده است که گفت: رسول خدا (ص) بر خدیجه وارد شد در حالی که ایشان در حال جان دادن بود، پس پیامبر خطاب به وی فرمود: خدیجه جان! مرگ تو بر من ناگوار است، اما خداوند در ناگواری‌ها خیر زیادی قرارداده است. هنگامی که بر هووهایت وارد شدی از جانب من به آنها سلام برسان. خدیجه گفت: ای رسول خدا! آنها کیانند؟ پیامبر (ص) فرمود: مریم دختر عمران، آسیه، دختر مزاحم و کلثوم یا حکیمه (تردید از راوی است)، خواهر موسی. خدیجه گفت: مبارک است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰/۴۸۰)

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا رسول خدا (ص) هنگام وفات همسر باوفای خود حضرت خدیجه (س) که لحظات سوگ و ماتم و جدایی و فراق است و پیامبر (ص) اظهار ناراحتی هم می‌کند، از آسیه به‌عنوان

هووی خدیجه در بهشت یاد می‌کند و از ایشان می‌خواهد که سلام وی را به آسیه برساند؟ و چرا از حضرت مریم مقدس، با آن پاکی و طهارت نفس و مقامات والایی که دارد و از خواهر موسی که قرآن کریم از نقش او در بازگرداندن موسی (ع) به مادرش خبر داده، یاد می‌کند؟ چه نسبت و شباهتی میان حضرت خدیجه (س) و آسیه و آن دو بانوی بزرگ تاریخ است که رسول خدا (ص) در هنگام وفات یار باوفای خود و اندوه وی در سوگ همسرش، از آن زنان یاد می‌کند؟

به نظر می‌رسد همان‌گونه که در سطور پیشین اشاره شد، راز این نسبت و شباهت، نقشی است که حضرت خدیجه کبری (س) در یاری‌کردن پیامبر (ص) ایفا کرده و سختی‌های فراوانی است که در این راه تحمل کرده است، به‌ویژه تحمل سختی‌های طاقت‌فرسای محصور بودن در شعب ابی‌طالب. این‌همه کاشف از این است که آن نقش الگویی که خدای تعالی برای آسیه یاد کرده، پیش و بیش از هر فرد دیگری، در حضرت خدیجه کبری تحقق یافته است.

۱۰. تقدم تطبیق آیه قصص بر حضرت خدیجه (س) نسبت به آیه تحریم

بعد از ذکر شواهد فضای نزول و روایاتی در اثبات هم‌منزلی حضرت خدیجه (س) در امت پیامبر خاتم (ص) با منزلت آسیه در امت موسی (ع)، این سؤال مطرح می‌شود که آیه سوره قصص با منزلت حضرت خدیجه تناسب بیشتری دارد یا آیه تحریم؟ در پاسخ باید گفت که هر یک از دو آیه شریفه از منظر متفاوتی بر هم‌منزلی حضرت خدیجه (س) با آسیه دلالت دارد. در سوره قصص بر هم‌منزلی آن دو بانوی بزرگ در پشتیبانی از پیامبر زمان خود توجه می‌دهد و در سوره تحریم بر این هم‌منزلی در گذشت از عیش و نوش زندگی دنیا و گذشت از آن برای دستیابی به سعادت اخروی و تحمل هرگونه سختی و آزار در این راه تا آنجا که آنان را به‌عنوان الگویی برای همگان معرفی می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به تقارن نزول سوره قصص با وفات حضرت خدیجه، دلالت آیه سوره قصص بر این هم‌منزلی آشکارتر است. اگر در سوره «قصص» که قبل از رحلت خدیجه کبری (س) نازل شده، از زن فرعون به‌عنوان ناجی موسی (ع) سخن می‌گوید، منابع روایی هم از حضرت خدیجه کبری (س) به‌عنوان بانویی که افزون بر حمایت‌های مالی از آیین اسلام و شخص پیامبر (ص) با تمام وجود در صحنه‌های مختلفی که خطراتی پیامبر (ص) را تهدید می‌کرد حضور داشت و از رسول خدا (ص) دفاع می‌کرد. (طبری، ۱۴۱۲، ۲/۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱/۱۲۵) از اینجاست که باید گفت احتمالاً خداوند با یادکرد از آسیه در سوره قصص، خواسته است تا به فداکاری‌ها و شهامت‌ها و جان‌فشانی‌های خدیجه (س)، این همسر فداکار پیامبر توجه دهد و از وی تجلیل کند که چگونه وی همچون آسیه، با گذشت از جان و مال و همه خواسته‌هایش، خود را وقف اسلام و پیامبر (ص) نمود تا آنجا که به جرئت می‌توان گفت اگر خداوند وی را وسیله پیشرفت پیامبر (ص) قرار نمی‌داد ممکن نبود پیامبر (ص) تا به این حد بتواند زمینه گسترش دین خود را فراهم آورد. همچنان که اگر آسیه و فداکاری‌هایش نبود موسی (ع) هم زنده نمی‌ماند و موجبات نجات و هدایت بنی‌اسرائیل به دست موسی (ع) رخ نمی‌داد.

۱۱. هم‌جایگاهی حضرت خدیجه و حضرت فاطمه با آسیه و مریم (علیهم‌السلام)

نکته متمایزی که در سوره تحریم نسبت به سوره قصص درباره هم‌منزلی حضرت خدیجه (س) با آسیه زن فرعون، دیده می‌شود آن است که در سوره تحریم در کنار حضرت خدیجه (س) از حضرت فاطمه (س)، دختر پیامبر، نیز

به‌عنوان یکی از زنان الگو یادشده و میان این دو بانوی بزرگ امت اسلام، با آسیه و حضرت مریم، تقارن ایجاد می‌کند. گویی یادکرد از آسیه و مریم در پایان سوره تحریم، اشارتی به منزلت حضرت خدیجه و حضرت فاطمه را در اذهان تداعی می‌کند. این هم منزلتی مورد تأیید روایاتی که شیعه و اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند نیز هست:

۱. علی بن حمزه از عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا (ص) روی زمین چهار خط کشید و فرمود: آیا می‌دانید این خطوط چیست؟ پاسخ دادند خدا و پیامبر (ص) به آن داناترند. پیامبر (ص) فرمود: برترین زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد (ص)، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم و زن فرعون است. (صدوق، ۱۳۲۶، ۲/۲۰۵)

در این روایت که مفسران آن را ذیل آیه شریفه سوره «تحریم» نقل کرده‌اند، رسول خدا (ص) میان دو زن در آیه شریفه، یعنی آسیه و مریم با حضرت خدیجه و دخترش فاطمه (س) تطبیق داده است و با مقدم داشتن حضرت خدیجه و فاطمه (ع) بر آسیه و مریم، به برتری آن دو زن اشاره کرده است. از این روایت می‌توان استفاده کرد که اساساً ذکر آسیه و مریم در این سوره، برای تربیت زنان امت پیامبر (ص) به مانند آنهاست و تنها مصادیقی که در امت پیامبر خاتم (ص) شباهت کامل به آن دو زن دارند، بلکه برتر از آن دو زن می‌باشند، حضرت خدیجه و حضرت فاطمه (س) هستند.

۲. ابوموسی از پیامبر (ص) نقل کرده است که فرمود: از مردان افراد زیادی به کمال رسیدند و از زنان تنها چهار زن به کمال رسیدند: آسیه دختر مزاحم، زن فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص). (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰/۴۸۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/۲۵۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ۱۰/۲۱۳، ح ۱۸۰۸۲)

در این روایت نیز همانند روایات پیشین، در کنار آسیه و مریم از حضرت خدیجه و فاطمه (س) یادشده است که آشکارا مطابقت این دو بانوی برتر را با دو بانوی بافضیلتی که در آیه آخر سوره تحریم از آنها یادشده به ذهن تداعی می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یادکرد آسیه، زن فرعون در هر دو سوره «قصص» و «تحریم»، اشاره به جایگاه و فضیلت حضرت خدیجه (س) داشته و تکریم شخصیت و خدمات آن حضرت نسبت به پیامبر و آیین وی است. در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: زمانی که خدیجه (س) وفات کرد فاطمه زهرا (ع) بر گرد پدرش، رسول خدا (ص)، می‌گشت و می‌گفت: مادرم کجاست؟ در آن هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: همانا خداوند امر کرده تا بر فاطمه (س) سلام برسانی و به او بگویی: اکنون مادرت در خانه‌ای از مروارید قرار دارد که غرفه‌هایش از طلا و ستون‌هایش از یاقوت سرخ است و او بین آسیه و مریم، جای دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱۲). چنانکه مشاهده می‌شود، در این روایات، از آسیه به همراه مریم، خدیجه و نیز خواهر موسی به‌عنوان همسر بهشتی پیامبر (ص) یادشده و چنین مقام والایی برای او ترسیم گشته است و ایشان، هم‌نشین و هم‌جواری خدیجه، این بانوی والامقام به شمار آمده است. گفتنی است که بیشتر مفسران اعم از مفسران شیعه و اهل سنت، در ذیل آیات پایانی سوره تحریم با نقل روایات یادشده به هم‌جایگاهی حضرت خدیجه با آسیه اذعان کرده‌اند. (برای نمونه نک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۸/۱۹۴؛ قرطبی، ۱۳۶۳، ۱۸/۶۴؛ صافی، ۱۴۱۵، ۵/۱۹۸؛ لاهیجی، ۱۳۷۳، ۴/۵۲۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۳/۳۴۴؛ حقی بروسوی، بی تا، ۱۰/۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۴/۳۵۹-۳۶۰؛ پانی پتی، ۱۴۱۲، ۹/۳۴۸؛ مراغی، بی تا؛ ۲۸/۱۷۰)

۱۲. مقایسه بین آسیه و حضرت خدیجه (س)

از آنجاکه احتمال داده شد، یاد آسیه در سوره «قصص» و «تحریم»، ایما و اشاره‌ای به فداکاری‌های حضرت خدیجه

باشد و با توجه به این که در سرای آخرت آسیه نیز چون وی در زمره همسران پیامبر (ص) خواهد بود، شایسته است در اینجا به مقایسه بین ایشان و آسیه پرداخته و برخی ویژگی‌های مشترک بین آنان برجسته گردد. برخی از بارزترین ویژگی‌های مشترک آنان عبارت‌اند از:

۱. یاری پیامبر زمان خویش و ایثار و فداکاری در راه او؛ مهم‌ترین ویژگی مشترکی که بین آنان می‌توان یافت، یاری پیامبر زمان خود و ایثار در راه اوست. همان‌گونه که بیان شد آسیه با نجات جان موسی (ع) در دوران کودکی و با فداکاری‌هایش بارها او را از گزند آسیب‌ها نجات داد و حضرت خدیجه نیز بعد از ازدواج با پیامبر اکرم (ص) بهترین یار و غمخوار ایشان بوده و با جان و مالش برترین فداکاری‌ها را، در راه پیامبر اسلام (ص) انجام دادند تا اینکه سرانجام جان خویش را در این مسیر از دست دادند. پیامبر اعظم نیز، درباره فداکاری‌های همسرش، خدیجه می‌فرماید: «أَيْنَ مِثْلِ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَتِي النَّاسُ؛ مثل خدیجه پیدا نخواهد شد. در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳/۱۳۱)

۲. داشتن امکانات وسیع زندگی و عدم فریفتگی به آن؛ از نقاط مشترک دیگر این دو بانوی بزرگ آن است که باینکه هر دو در اوج قدرت، ثروت و رفاه بودند، اما این عوامل، هرگز آنان را مجذوب خویش نساخت. بلکه آنان به راحتی از آنها گذشتند تا به خدا رسند. چنانکه می‌بینیم، آسیه به عنوان ملکه مصر، دارای امکانات مادی و کاخ‌ها و وسایل خوش گذرانی فراوان بود و خدیجه (س) این بانوی خردمند و با اندیشه عرب، با وجود این همه ثروت و امکانات، هیچ‌گاه دل‌باخته و مجذوب مال و منال نشدند. (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ۴/۱۸۲۰)

۳. اولین زنان مؤمن به پیامبر زمان خویش؛ از جمله، نقاط مشترک دیگر این دو بانوی بزرگوار این است که، هر یک از آنان نخستین زن مؤمن به پیامبر زمان خویش هستند و این توفیق نصیبشان شد که افتخار و سعادت اولین مؤمن بودن به پیامبر را نصیب خود سازند، چنانکه در مورد آسیه گفته شده، وی اولین زنی است که دعوت موسی را لبیک گفته و به وی ایمان آورد و اما در مورد حضرت خدیجه (س) او اولین زنی است که به پیامبر بزرگ اسلام ایمان آورد. (دستغیب شیرازی، ۱۳۶۳، ۱۲۰ و ۱۶۰؛ راجی قمی، ۱۳۸۳، ۱۶۰) در روزهای ابتدایی بعثت که هنوز پیامبر (ص) پیروانی نداشت، خدیجه (س) به همراه امام علی (ع) در کنار پیامبر به نماز می‌ایستاد و این عمل مظهر آشکار تجلی دین‌داری در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ق/۵، ۵۳۷)

۴. عدم تأثیرپذیری از محیط فاسد جامعه؛ همان‌گونه که آسیه تحت تأثیر محیط آلوده و شرک‌آلود قرار نگرفت و خود را از آن حفظ نمود، خدیجه نیز با توجه به محیط و جامعه آلوده به بت‌پرستی که قبل از ظهور اسلام در دوران جاهلیت عرب وجود داشت، هرگز تحت تأثیر آن قرار نگرفت، بلکه در اخلاق، رفتار، عفت و کرم زبان زد عام و خاص بود. مورخان خدیجه را زنی با اراده، متفکر، مقتدر، مدیر، شریف، کریم و خوش‌اخلاق وصف کرده‌اند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ۱۳۱/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۲/۳۹).

۱۳. نتیجه

با بررسی‌هایی که در مقاله انجام شد، این نتیجه به دست آمد که با توجه به زمان و فضای نزول سوره «قصص»، اشاره به حمایت‌های آسیه از حضرت موسی (ع) و نجات او از کشته شدن و پرورش وی در قصر فرعون و هم‌زمانی این

یادکرد با رحلت بزرگ حامی پیامبر (ص)، حضرت خدیجه (س) تداعی کننده هم‌منزلتی این دو بانوی بزرگ و نقش-آفرین در رسالت دو پیامبر بزرگ الهی است. خداوند به وسیله یاد کردن از آسیه و ذکر فداکاری‌های وی در سوره قصص، خواسته است تا اشاره به حمایت‌های حضرت خدیجه (س) داشته باشد و از این طریق مجاهدات حضرت خدیجه (س) در راه گسترش آیین اسلام را ارج نهد. یادکرد از آسیه در سوره «تحریم» نیز با توجه به روایات ناظر به هم‌نشینی و هم‌جواری این دو بانوی بزرگ در بهشت و روایاتی که پیامبر آسیه را از همسران بهشتی خود و هم‌نشین خدیجه معرفی می‌کند، حاکی از این هم‌منزلتی است. نقل روایات هم‌منزلتی حضرت خدیجه با آسیه، توسط مفسران، دلیل باور مفسران بر این هم‌منزلتی است.

۱۴. منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، بی تا.
۲. ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم* (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصاد، ۱۳۸۵ق.
۶. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۷. اشکوری، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۸. بهجت پور، عبدالکریم، *همگام با وحی*، قم: موسسه تمهید، ۱۳۹۰ش.
۹. بهجت پور، عبدالکریم، *شناخت نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم*، قم: موسسه تمهید، ۱۳۹۴ش.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۱. بغوی، حسین بن محمود، *معالم التنزیل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. پانی پتی، ثناءالله، *التفسیر المظهری*، پاکستان: مکتبه رشدیہ، ۱۴۱۲ق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۹ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، چاپ سوم، تهران: رجا، ۱۳۷۲ش.
۱۵. حوی، سعید، *الاساس فی تفسیر القرآن*، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
۱۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، *روح البیان*، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۷. حسینی، ابراهیم، *نقش تاریخی زن از دیدگاه قرآن*، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۲ش.
۱۸. دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحدیث*، چاپ دوم، قاهره: دار احیاء الکتی العربیه، ۱۳۸۳ق.
۱۹. دستغیب، عبدالحسین، *زندگانی فاطمه زهرا (س) و زینب کبری*، تهران: کانون تربیت، ۱۳۶۳ش.
۲۰. زحیلی، وهبه بن مصطفی، *التفسیر المنیر*، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

۲۱. رازی، ابوالفتح، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۲. راجی، محمد، *آخرین گفتار در پایان زندگی*، تهران: حسنیه، ۱۳۸۳ش.
۲۳. زمخشری، محمود، *الكشاف عن غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۴. زرکشی، محمدبن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، *لباب النقول فی اسباب النزول*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۲۷. شدید، محمد، *روش داستان‌گویی در قرآن*، ترجمه محمدعلی بهشتی‌منش، قم: مدرسه اسلامی هنر، ۱۳۹۳ش.
۲۸. صدوق، محمدبن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۲۹. صدوق، محمدبن بابویه، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۲۶ش.
۳۰. صادقی‌تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۲. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۴. طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۵. عروسی‌حویزی، علی بن جمعه، *نور الثقلین*، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵.
۳۷. فضل‌الله، محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعه، ۱۴۱۹ق.
۳۸. قرشی، علی اکبر، *احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۳۹. قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۴۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۱. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۴۲. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۴۳. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۴. معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۹.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، *شأن نزول آیات قرآن*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۵ش.
۴۶. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.
۴۷. میبیدی، احمدبن محمد، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.

۴۸. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۴۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ش.